روزنامه شرق

شهادت حضرت امام موسی کاظم (ع) را تسلیت عرض می‌کنیم

پنجشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۹۷ • ۲۵ رجب ۱۴۳۹ • ۱۲ آوریل ۲۰۱۸

سال پانزدهم • شماره ۳۱۲۲ • ۱۶صفحه • ۲۰۰۰ تومان

جزئیاتی از جلسه ویژه ارزی با حضور روحانی و شمخانی

کالاهای اساسی و دارو گران نمی‌شوند

گروه اقتصاد: درست دو روز پس از آنکه اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهوری، نرخ چهارهزارو ۲۰۰ تومان را برای ارز تک‌نرخی اعلام کرد؛ جلسه ویژه ارزی به ریاست حسن روحانی، رئیس‌جمهوری، تشکیل شد...

صفحه ۵

رئیس کل بانک مرکزی خبرداد

احتمال باطل‌شدن دلارهای خانگی

گروه اقتصاد: رئیس کل بانک مرکزی برای آنکه مردم تشویق به سپرده‌گذاری ارزی شوند، می‌گوید اسکناس‌های ارزی تاریخ انقضا دارد و ممکن است پس از گذشت دوره‌ای برخی از این اسکناس‌ها قابلیت خرید و فروش در بازار داخلی را نداشته باشد....

صفحه ۴

محسنی‌اژه‌ای، سخنگوی قوه قضائیه:

در تأخیر برخورد با احمدی‌نژاد حکمتی هست

صفحه ۲

پارسال احمدی‌نژاد در چنین روزی دوباره ثبت‌نام کرد

گام آخر احمدی‌نژاد برای خروج از حاکمیت

روایت مسئول ستادهای انتخاباتی از فعالیت‌های تیم مشایی

جلسات محرمانه احمدی‌نژاد در خیابان وصال

عکس: Reuters

صفحه ۲

تیترها

حداقل دستمزد ۱۹/۵ درصد افزایش یافت

صفحه ۴

تشییع پیکر شهیدان حمله اسرائیل به سوریه

صفحه ۱۵

بحران آب، مجلس را غیرعلنی کرد

صفحه ۶

روایت عجیب یک نماینده از کناره‌گیری نجفی

صفحه ۶

الیور استون به ایران می‌آید

صفحه ۱۰

حماسه گرگ‌ها در شبی که با ایرانی‌ها صمیمی شدند

رمی‌ها فارسی حرف می‌زنند

صفحه ۱۴

سرمقاله

پیش به سوی تفاهم

محمدتقی فاضل‌میبدی
عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم

در چهار دهه‌ای که از عمر انقلاب می‌گذرد، دو دسته گفت‌وگو در عرصه سیاسی غایب بوده است؛ گفت‌وگو در عرصه جهانی و منطق تفاهم در حوزه سیاست داخلی. اگر در جهان، کشور یا کشورهایی دیدگاه‌هایی خلاف دیدگاه جمهوری اسلامی ایران داشته‌اند، مذاکره و ارتباطات معمول جهانی با آنها به حالت تعلیق درآمده و گاهی به دشمنی کشیده شده است. در داخل نیز نظرات جریان‌های مختلفی که با قرائت رسمی، تفاوت‌هایی داشته‌اند، شنیده نشده و محدودیت‌هایی برای این جریانات فکری، سیاسی و صنفی پدیده آمده است. همچنین سیاست عدم‌گفت‌وگو در سیاست خارجی و سیاست داخلی، به‌ویژه در دولت‌های نهم و دهم، به شکل نامناسبی اعمال شد که تبعات آن همچنان باقی است بی‌آنکه مشخص باشد این نوع حمایت از دیدگاه‌های رئیس یک دولت که عقبه روشن سیاسی نداشته، با کدام منطق سازگار است. مشخص است که با کناررفتن گفت‌وگو، تنازع جای آن را می‌گیرد، بنابراین نه تنها مشکلات موجود حل نمی‌شود بلکه حالت مزمن به خود می‌گیرد. فشار بر این دو حوزه، دامن دولت‌های یازدهم و دوازدهم را نیز گرفته است. متأسفانه سیاست خارجی در دولت دوازدهم درمقایسه‌با دولت یازدهم ضعیف‌تر شده و وزیر خارجه و تیم او که برای مذاکره و دفاع از منافع ملی ایران سر از پا نمی‌شناختند، اکنون در شرایط کاملا منفعل قرار گرفته‌اند؛ تا جایی که کشور کوچکی مانند عربستان یا برخی کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس و حتی آفریقا، به دنبال ایجاد جبهه‌ای یکپارچه ضد ایران هستند. ممکن است بگوییم در کشور ما چند دستگاه در حوزه دیپلماسی به موازات هم فعال‌اند، اما به‌هرحال رئیس‌جمهوری که بر سر کار می‌آید، با وجود علم به این مسئله، در مبارزات انتخاباتی در حوزه سیاست خارجی و داخلی قاطعانه برنامه‌های خود را بیان می‌کند. اگر احساس می‌شود این چندگانگی اکنون افزایش یافته، می‌توان موضوع را با درنظرگرفتن مصالح با مردم در میان گذاشت؛ چراکه موضوع محرمانه‌ای با مردم وجود ندارد. اگر دولت حوزه سیاست‌های منطقه‌ای را کاملا ترک کند، مسئله به‌هیچ‌روی برای مردم قابل توجیه نیست. امروز لابی عربستان، اسرائیل و ایالات‌متحده به‌شدت فعال شده و راه مواجهه با آن صرفا در تحولات میدانی رقم نمی‌خورد. کشور پهناوری مثل ایران، موقعیتی استراتژیک، سوق‌الجیشی، هوشمندان بیشتر و سیاستمداران قوی‌تری از دیگر کشورهای منطقه دارد. امروز هم باید همچنان دستگاه دیپلماسی، میدان‌دار تحولات باشد و سایر دستگاه‌ها، ذیل دیپلمات‌های ما فعالیت کنند. نبودِ راهبرد مشخص در دو حوزه سیاست خارجی و داخلی، به بی‌ثباتی در سایر حوزه‌ها، به‌ویژه بخش اقتصاد، انجامیده است. اجازه بازشدن فضا در این دو حوزه، کلید حل مشکلاتی از قبیل ارز، تورم، ارتباطات جهانی و سرمایه‌گذاری خارجی است. مشخص است که منشأ کاستی‌های اقتصادی امروز، صرفا اقتصادی نیست و کاهش اعتماد به ثبات سیاست داخلی، برآورده‌نشدن وعده‌های دولت در زمینه کاهش محدودیت‌ها و بهبود شرایط، اعتماد مردم را کاهش داده و اختلافات داخلی را دامن زده است. اگر رقابت‌های داخلی در مجرای طبیعی آن با همه چالش‌هایی که اتفاقا امنیت‌زاست هدایت شود و در دنیا با منطق گفت‌وگو با همه طرف‌ها مواجه شویم، مسائل ایران حل می‌شود. امروز اقتصاد، سیاست، فرهنگ، دانشگاه و... به یکدیگر مرتبط است. تحولات اجتماعی و حتی تعارضاتی که در زمینه برابری و معیشت بروز می‌کند، از فرهنگ سیاسی ایران جدا نیست. میزان اعتماد ملی باید به حدی برسد که اگر فردا رئیس‌جمهوری ایالات متحده اعلام خروج از برجام کرد، هیچ حالت روانی و نگران‌کننده‌ای در جامعه ایجاد نشود و این صرفا با بازشدن فضا و حذف تنگ‌نظری‌ها به دست می‌آید. پیشنهاد نگارنده این است که به‌طور شفاف، مسائل سیاست خارجی، احزاب و رقابت‌های سیاسی، فیلترشدن پیام‌رسان‌ها و رسانه‌های اجتماعی و... را با مردم و نخبگان در میان گذاشته و امکان گفت‌وگو درباره آن را فراهم کند. اگر نتوان در سیاست داخلی به تفاهم رسید، آیا سایر کشورهای دنیا با کشوری که هنوز با برادران و خواهران خود در داخل به تفاهم نرسیده است، بر سر میز گفت‌وگو خواهد نشست؟ پیشنهاد دوم، به ترمیم تیم اقتصادی و سیاسی دولت بازمی‌گردد. در هنگام چینش کابینه، بیشتر خردمندان، از جمله تأکید داشتند تیم اقتصادی و سیاسی دولت، ظرفیت لازم برای پیشبرد مسائل را ندارد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

تجربه موفق هاروارد

بیژن جهانگیری . استاد دانشگاه علوم‌پزشکی تهران

سر آلکس فرگوسن یکی از موفق‌ترین مربیان تاریخ فوتبال است و به همین علت رمزگشایی از چگونگی توفیق ایشان ارزشمند است و آموزنده. از منظری وسیع‌تر، مطالعه و تعمق در گفتار و کردار «موفق‌ها» باارزش بوده که رمزگشایی از آن، در صورت فراهم‌آمدن شرایط، کلید موفقیت و حل مسائل فردی و اجتماعی خواهد بود.

جهان محل رقابت است؛ رقابت‌های نظامی، اقتصادی، علمی و...، کشور ما نیز فعالانه درگیر این رقابت‌هاست؛ رقابت‌هایی نفس‌گیر. دانشگاه‌های ما هم با تمام توان در این صحنه حضور دارند و مشغول رقابت با دانشگاه‌های معتبر جهان‌اند با همه افت‌وخیزهای آن.

در نوشته حاضر، رمز موفقیت پایدار یکی از مؤسسات آموزش عالی جهان، یعنی دانشگاه هاروارد، بررسی شده است. علت انتخاب دانشگاه هاروارد این است که این دانشگاه به‌نوعی مظهر و نمونه یک مؤسسه موفق آموزش عالی است. جالب اینکه درباره رمز موفقیت دانشگاه هاروارد که متعاقبا شرح داده خواهد شد، کمتر نوشته‌ای به زبان فارسی منتشر شده است.

ذکر یک نکته به عنوان مقدمه لازم است: از گذشته‌های دور، والدین به ارائه بهترین آموزش برای فرزندشان علاقه‌مند بوده‌اند. بر مبنای این احتیاج، مؤسساتی در نقاط مختلف جهان، دانشگاه‌های دنیا را رتبه‌بندی کرده‌اند تا مورد استفاده والدین علاقه‌مند قرار گیرد. سه مؤسسه معتبر رتبه‌بندی دانشگاه‌ها را نام می‌برم: یک مؤسسه در انگلستان (رویترز)، مؤسسه‌ای در شانگهای و یک مؤسسه در آمریکا (متعلق به روزنامه کثیرالانتشار «US To-day»). هر سه مؤسسه فوق، سالانه بین ۵۰۰ تا هزار دانشگاه جهان را از جمیع جهات ارزشیابی کرده و رتبه‌بندی می‌کنند. اکثریت قاطع دانشگاهیان جهان و صاحبان صنایع و مدیران مؤسسات معتبر این رتبه‌بندی‌ها را قبول داشته و از آن بهره می‌برند. حدود دوسوم از ۲۰ دانشگاه برتر جهان (از نظر هر سه مؤسسه فوق) در آمریکا واقع شده‌اند و هاروارد همیشه یکی از پنج دانشگاه برتر جهان بوده است.

نوشته‌های متعددی درباره علل توفیق این دانشگاه منتشر شده است. در شرح علل، به موارد زیر اشاره کرده‌اند: جمعیت کثیر آمریکا، ثروتمندبودن این کشور، اختصاص بودجه‌های کلان برای پژوهش، قدرت جذب نخبگان علمی از چهار گوشه جهان و...، اما عللی که برشمرده شد چندان مورد قبول همگان نیست. در مقابل مسئله ثروت، ممالک ثروتمند دیگری را می‌شناسیم که مرتبه دانشگاه‌های معتبر آمریکا را ندارند. همین‌طور است عامل جمعیت و حتی اختصاص بودجه‌های پژوهشی. علاوه‌براین، دانشگاه‌های ممالک پیشرفته‌ای مانند فرانسه و آلمان و ژاپن و حتی چین و هندوستان نتوانسته‌اند در فهرست «بیست دانشگاه برتر جهان» محلی درخور اعتنا داشته باشند. سخن کوتاه، یک عامل مؤثر باقی می‌ماند و آن نحوه اداره دانشگاه است. گروه زیادی از صاحب‌نظران معتقدند که آمریکا ابداع‌کننده روشی خاص برای اداره دانشگاه‌هاست که با ممالک دیگر تفاوت اصولی دارد. برای آشنایی با این روش باید نگاهی داشته باشیم به تاریخچه هاروارد.

این دانشگاه در سال ۱۶۳۶ میلادی تأسیس شد. تا مدت‌ها با روشی معقول و منطقی به کار خود ادامه می‌داد. در سال ۱۸۴۰ در ایالت ماساچوست گروهی عوام‌گرا اداره امور این ایالت را در اختیار گرفتند و به‌منظور خوشامد عوام، دانشگاه هاروارد را مورد حمله قرار دادند؛ می‌گفتند که این دانشگاه نخبه‌گراست و مخارج تحصیل در آن هم گران بوده و فقط فرزندان افراد توانگر استطاعت پرداخت این مخارج را دارند. از سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۶۲ دانشگاه به‌شدت تحت فشار قرار گرفت. تخصیص بودجه سالانه و استخدام استادان را به نحو محسوس کاهش دادند و حتی از تأیید حکم رئیس جدید انتخابی دانشگاه طفره رفتند. باید چاره‌ای اندیشیده می‌شد؛ استادان شاغل در دانشگاه متحد شدند و علاوه‌برآن، از فارغ‌التحصیلان قبلی دانشگاه که طبیعتا به مؤسسه تعصب داشتند، تقاضای کمک و مساعدت همه‌جانبه کردند. از این گروه کثیر، دو دسته شامل فارغ‌التحصیلان متمکن و فارغ‌التحصیلان بانفوذ، بی‌دریغ و باعلاقه و تعصب به کمک دانشگاه خودشان آمدند. با گام‌هایی استوار و مصمم اداره مؤسسه و به‌ویژه هیئت‌رئیسه و هیئت امنای دانشگاه را هدف گرفته و پس از مبارزات طولانی در هر دو ساختار، صاحب اکثریت شدند. سپس سه درخواست عمده را با رهبران ایالتی و نیز واشنگتن مطرح کردند؛ نخست اینکه مقامات ایالتی و فدرال موافقت کنند دانشگاه از نوسانات سیاسی و ستیزه‌های متعارف و روزمره سیاست‌مداران دور بماند. دوم، اداره مؤسسه منحصرا در اختیار «دانش‌آموختگان» دانشگاه و به انتخاب ایشان باشد و سوم اینکه به این دو درخواست اعتبار قانونی ماندگار داده شود. پس از کشمکش‌های فراوان هر سه درخواست قبول شد و نهایتا وجه قانونی پیدا کرد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

عیب‌های مردم را جست‌وجو نمی‌کرد

علی شفیعی . پژوهشگر

جهان اگر هم بی‌معنا قابل زیستن باشد به یقین با معنا، زیستی زیباتر دارد. نسیم معنادهی به زیست البته تنها از دل آسمان و وحی بر انسان و جهان نمی‌وزد اما به یقین نسیم آسمانی معنایی روح‌نوازتر و شنیدنی‌تر است.

بعثت- که همان نسیم و آواز آسمان است - در قلمرو معنادهی به زیست جهانی دو نقش بنیادین ایفا کرده است: الف) گاه به تکثیر معانی موجود در جهانِ انسانی کمک کرده است؛ ب) و دیگر گاه به تقویت و نهادینه‌سازی یک معنای ویژه توجه نشان داده است. انبیا آمدند تا با یکی از این دو کار قدرت انتخاب انسان‌ها را از میان معانی موجود برای زیستن در جهان افزایش دهند و به زیباسازی بیشتر جهان بپردازند.

آخرین سفیر - رسمی/ حقوقی - وصل آسمان و انسان که کمک دیگری به معناگرایی زندگی کرد، محمد بن عبدالله (صلی‌الله علیه وآله) بود.

این آخرین حلقه وصل هم خود دارای ویژگی‌هایی بود (شخصیت حقیقی‌اش) و هم رهاوردش امتیازاتی داشت (رهاورد حقوقی‌اش) که سبب شد مهر پایان بر این روش و شیوه معنادهی به جهان زده شود.

مولوی در تصویرش از محمد (صلی الله علیه وآله) و قضیه خاتمیت او به هر دو جنبه آنچه گفت شده - شخصیت حقیقی و حقوقی - اشاره می‌کند و می‌گوید:

بهر این خاتم شدست او که به جود/// مثل او نه بود و نه خواهند بود

ختم‌هایی که انبیا بگذاشتند //// آن به دین احمدی برداشتند

قفل‌های ناگشاده مانده بود //// از کف انا فتحنا برگشود

گمانم بر این است یکی از ختم‌هایی که انبیا گذاشته بودند و می‌توانست هم قفل ناگشاده باشد و هم خود قفلی شود بر حیات انسان‌ها، ضرورت تعریف معنا برای جهان ازسوی آسمان بود که در این دین و توسط این نبی برداشته شد و اعلام شد که می‌توان با مراجعه به عقلانیت بشری -که حجت بنیادینی است- به تعریف معنا و تکثیر معنا در این جهان پرداخت.

گمان می‌کنم در ادبیات دینی و عرفانی می‌توان رگه و ریشه‌هایی از این سخن یافت که به عنوان نمونه شاید بتوان آن را از دل آنچه مولوی در این تمثیل شنیدنی و توضیحی که بر آن تمثیل استوار کرده است، دریافت. او ابتدا در قالب یک تمثیل که نیاز جسم و تن انسان‌ها به باد بهار است که سالی یک بار می‌نوازد و جسم را نوسازی می‌کند، این‌گونه می‌گوید:

گفت پیغمبر ز سرمای بهار/// تن مپوشانید یاران زینهار

زآنک با جان شما آن می‌کند/// کان بهاران با درختان می‌کند

خود او آن‌گاه با اشاره به اینکه به ظواهر این‌گونه گفتارها نباید اکتفا کرد بلکه در نگاهی هرمنوتیکال باید این توصیه‌های نبوی را شنید و فهم کرد، می‌گوید:

راویان این را به ظاهر برده‌اند/// هم بر آن صورت قناعت کرده‌اند

بی‌خبر بودند از جان آن گروه/// کوه را دیده ندیده کان به کوه

مولوی آن‌گاه برداشت هرمنوتیکی خویش از این تمثیل را ارائه و دنبال کامل العقلی است که در گفتمان معاصر از آن می‌توان به عقلانیت بشری یاد کرد:

آن خزان نزد خدا نفس و هواست///عقل و جان عین بهارست و بقاست

مر ترا عقلیست جز وی در نهان ///کامل العقلی بجو اندر جهان

از این بحث بگذرم به گمانم یکی از معانی که در جهان بود و توسط بعثت محمد(صلی‌الله علیه) تکمیل و تقویت شد، اخلاق‌گرایی و محوریت اخلاق بود. همان‌گونه که برخی استادان به‌خوبی اشاره کرده‌اند (ابوالقاسم فنائی/ اخلاق دین‌شناسی)، در نسبت‌سنجی دین و اخلاق چهار تصویر می‌توان ارائه داد:

۱. وابستگی اخلاق به دین
۲. استقلال اخلاق از دین
۳. تقدم اخلاق بر دین به معنای اینکه اخلاق سرچشمه دین است
۴. تقدم اخلاق بر دین به معنای اینکه اخلاق چارچوب دین است.

گرچه می‌توان تقریرهای مختلف و متفاوتی از ره‌آورد آخرین دین آسمانی در نسبتش با اخلاق ارائه داد-کما اینکه این اتفاق افتاده است- ولی به گمان نگارنده تقریر راهگشا و نقش‌آفرین، مورد چهارم است. یعنی تقدم اخلاق بر دین، آن‌هم به معنای اینکه اخلاق چارچوب و سنجه دین است. دین و به تبع آن معرفت‌ها و فهم‌های دینی باید خود را با اخلاق تراز کنند و در داوری ابطال‌پذیری و پذیرش یک رأی باید به اخلاق پناه برد.

ادامه در صفحه ۶

حرف اول

رسالت روشنفکرانه

سیدحجت مهدوی‌سعیدی . استاد دانشگاه

عید مبعث در نوع خود، فرصت جمیلی است برای بازاندیشی در غایات متعالی پیامبر مکرم اسلام. با بعثت پیامبر، جهان بشری وارد تاریخ قدسی می‌شود و شرایطی متفاوت و متغایر از شرایط پیشین برای بشریت رقم می‌خورد؛ «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم...».اینکه وجه حاجت بشریت به پدیده وحی و نبوت در جهان قدیم و اینک در سپهر جهان جدید چیست و اساسا، آدمیان در همه عصرها و نسل‌ها، چه حاجتی به تعلیمات وحیانی و به تبع آن پیامدها و الزامات آن دارند و اصولا با چه مکانیسم و با چه ربط و نسبت درونی و بیرونی مشخصی باید با امر قدسی و تجربه‌های نبوی مواجه شد، از رویکردهای مبتنی بر پروسه خودآگاهی و پرسش‌های حیاتی و ایمانی دین‌داران معاصر محسوب می‌شود. وحی و بعثت در سرشت خود نوعی رازگشایی از سویه‌های هستی بی‌کرانه است و بالذات موجد نوعی حکمت و تزکیت برای جامعه مؤمنان. در جمع شاغلان و متوغلان این مسئله درون‌دینی، دکتر اقبال لاهوری از جمله متفکران و روشنفکران برجسته و متأخری است که غالبا تحت تأثیر آرا و ایده‌های نواندیشانه کتاب «حجه‌البالغه» مرحوم «شاه ولی‌الله دهلوی» به تبیین و تفسیر مقوله ضرورت رسالت و چرایی ختم نبوت پرداخته و از قضا در این خصوص به رهیافت و دستاوردهای نیکو و قابل تأملی نیز دست یافته است. تحقیقا، مبانی معطوف به موجبات وحی و بواعث بعثت، عمدتا در حوزه کلام جدید و فلسفه دین می‌نشیند و در این علوم مورد مداقه قرار می‌گیرد. اقبال لاهوری با درایت و فراست و تأملات همیشگی خود به این استنباط و استنتاج دست یافته است که اصولا این کمال بلوغ نبوت محمدی بوده که به فطانت پی برده است که پس از این باید با برانگیختگی و تنزیلات خود، در صحنه رسالت، به صداقت و صراحت، ختم و خاتمیت نبوت تاریخی خویش در معیت کاروان انبیای الهی را بر همگان اعلان و آشکار کند و جای آن «خرد نقاد» را بنشاند تا نواندیشی و اجتهادات دینی ذیل تعقل تجربی و خرد استقرایی، استمرار یابد و معنای رفیع و محصلی پیدا کند. از این معبر است که افق‌های جدی جدیدتری به روی بشریت در عصر پساپیغمبری، گشوده می‌شود. با چنین دیدگاه ممتازی، از دیروز تا امروز به جهل یا غرض، پاره‌ای از ناقدان و طاعنان، رأی اقبال در زمینه ختم نبوت را برنتافته و جفاکارانه بر او تاخته و وی را از مدعیان و منادیان ختم دین - و نه ختم نبوت! - معرفی کرده‌اند.

ادامه در صفحه ۶